

منتقدین وارداتی

یادم هست چند سال پیش وزیر صنعت،جناب آقای نعمت‌زاده‌گنجدت «بایدمدیر اقتصادی از خارج وارد کنیم»،اماانکار این سخن گوهریار الگوی دیگروزارتخانه‌هاشده‌است و این‌بار به‌جای «مدیر اقتصادی» منتقد فیلم از خارج وارد می‌کنند،البته دلیل واضح‌است،وقتی منتقد عزیز به‌جای نقد،در جایگاه روابط‌عمومی فیلم‌قرار می‌گیرد،خب باید هم از کشور اجنبی و از شبکه‌های معانداسلام یعنی همان «بی‌بی‌سی» و «رادویوزمانه» برای جشنواره‌بین‌المللی فجرمنتقدوارد کنند تا کمی از روی آنها حتی به‌غلط رونوشت‌کنند،البته سازمان سینمایی به‌جدیت‌والبته‌به‌خوبی‌نشان داده‌است‌که‌ایجادجشنواره‌اعم از کشور و بین‌المللی‌نه‌تنها‌سخت‌و دشوار نیست،بلکه‌تنها با یک‌ایلیغی‌و چند حکم‌برای سینما لازم‌الاجرا می‌شود:حکم‌هایی که کارمندهای سازمان سینمایی، حتی برای یکبار هم که‌شده‌وازه‌ای به‌نام «مدیر» را در کنار نامشان تجربه‌کنند و شاید برای آن حقوقی در حد خوردن نان و ماستی‌البته‌با بریان به‌جیب‌بزنند.

اما دوستان برای عدم سنت‌شکنی مثل استفاده‌سال گذشته‌که همه‌برای عکس‌یادگاری مقابل‌هواپیمای ایرباس ۳۵۰منظم‌شده بودند،این‌بار هم برخی از کارمندان گروه‌هنر و تجربه(همان‌طرحی که‌برای دلخوشی چند کارگردان‌خسته‌با دل‌کسسته‌در سالن‌های خالی و پر که‌اولی برای حضور مردم و دومی برای توهین‌به مردم در حال‌اکران و نمایش‌است) با «روزیزاجهد»منتقدبی‌بی‌سی آن هم در دفتر جشنواره‌وزارت فرهنگ و ارشادجمهوری اسلامی‌ایران عکس‌یادگاری گرفتند.

اما ماجرا زمانی‌جالب‌تر می‌شود که‌مدعیان اصلاح‌طلب‌همان

سئون‌نوسان‌روزنامه‌های زنجیری‌ای که‌اکتون‌می‌توان آنها را در جزیره‌دوشغله‌ها به‌حساب آورد و دو شغل شریف‌دبیر انجمن منتقدان‌خانه سینما و دیگری روابط‌عمومی جشنواره‌های محفلی‌وزارت فرهنگ و ارشاد را همزمان اداره می‌کنند،همان‌هایی که‌زمانی به‌استناد قانون‌خواستار شلاق زدن به‌یک منتقد سینما شدند، حالا‌خلاف‌قانون عمل می‌کنند و با افرادی که‌به‌گفته‌سخنگوی پیشین‌وزارت فرهنگ و ارشادمتخلف‌نامه‌یدی می‌شوند،همان‌هایی که‌سخنگو آنها را اینگونه‌خطاب کرد: «هر نوع همکاری هنرمندان با شبکه‌های معاند نظام غیر قانونی‌است».عکس‌یادگاری می‌اندازند تا برای خودمشتی جمع‌کنند.در هر حال همان‌گونه‌که‌مقام‌موظر رهبری بیان کردند،مطمئن «از وزارت فرهنگ و ارشاد آبی گرم نمی‌شود» و شیب‌این مسیر ولنگار هر روز رو به‌افزون‌است و اهالی سینما راهی جز تجربه‌صبر ایوب‌ندارند تا دوستان ایوبی‌هر آنچه‌هنر دارند برای کسب‌تجربه‌و عکس‌یادگاری با منتقدان معاند نظام برای خود به‌ثبت برسانند و مانند‌مرجع‌شان کلکسیونتی‌از عکس‌های یادگاری در آرشیدو داشته‌باشند و شاید به‌همین دلیل این طرح‌را هنر و تجربه‌نمایندند،الله‌اعلم!

دریچه محمود کربلو

متولیان مبارزه با جنگ نرم چه می‌کنند؟

هفته بسنجی فرار رسید. نمی‌شود فداکاری بسنجی‌ها را در دوران دفاع مقدس فراموش کرد. همه‌دوستان واقعی من از همان دوران هستند و البته خیلی‌هایشان شهید شده‌اند، اما با همی تعداد اندک باقی‌مانده که گاهی همکلام می‌شوم، آرامش

معنوی وجودم را فرامی‌گیرد. طبیعتاً در دوران امروز وظیفه اصلی بسنج مبارزه با جنگ نرمی است که دشمن ایجاد کرده، اما چگونه می‌شود وقتی؟ یک بحث جدی و اساسی است که کمتر در محافل گفتنی‌های مطرح می‌شود. سخنان اخیر مقام معظم رهبری خیلی دقیق و حرفه‌ای این نقشه راه را ترسیم کردند. حتماً طی روزهای آتی شاهد بنرها و کلیپ‌ها و شعارهای جذاب در خصوص «زوم تشکیل هیئت‌های اندیشه‌ورز و رصدگر برای مراقبت از نفوذ ویروس‌ها» یا «هم‌افزایی، مردم‌سالاری واقعی و جذب حداکثری (البته نه به هر روشی)» خواهیم بود، اما ای کاش برخی بسنجی‌ها، متولیان امر به‌خصوص رسانه ملی از شعارگویی و به‌خصوص تنگ‌نظری و نگاه جناحی پرهیزسند و زمینه مباحث و گفتمان و نظر به‌پردازی را ایجاد کنند.

به‌خدا قسم اتحاد شگرفی در میان شاهد خواهیم بود. یکی از ابزارهای مهم در جنگ نرم سینما و تلویزیون است، اما خیلی دلخوش نیستم بتوانند وابستگی‌های فردی و جناحی خود را کنار بگذارند به بسنج واقعی و با این مباحث بپردازند. مثال ساده‌ای این‌ها از قدری دقت کنید همه‌تئوری‌پردازهای معتقد به جنگ نرم ساعت‌ها می‌نشینند و از قدرت دشمن در سینمای جهان تفسیر و تحلیل می‌کنند، اما هیچ‌کدام نمی‌آیند بحث و گفت‌وگو کنند ما چه کردیم و چه باید بکنیم. البته دشمن شناسی یک اصل است، اما نه اینکه تمام وقت‌مان را بگذاریم همه فیلم‌های دشمن را سر فرصت ببینیم و ساعت‌ها حرف بزنیم، اما هم اینکه به عملکرد خودمان می‌رسد، سکوت کرده یا به‌خاطر ضعف در عملکرد به دیگران حمله کنیم و بد و بیراه بگویم. الان در این دوران که سال‌ها از انقلاب می‌گذرد و انقلابی‌های زیادی رشد کردند و به‌بلوغ رسیدند و سکان‌های فرهنگی را در اختیار دارند، باید پیادگی‌بوند چه کردیم و چه باید بکنیم به‌اینکه به دیگران حمله کنند که چه کردید و چرا کار نمی‌کنید.

خبرنگاری

که گلوی الشرق الاوسط را گرفت



■ **معصومه طاهری**

راهپیمایی میلیونی ازبمین حسینی همان‌طور که انتظار می‌رفت بی‌رحمانه با فوجی سانسور هم‌زونی رسانه‌های غالب دنیا مواجه شد و خبر را سانسور کردند، اما ماجرای سانسور و سنسکت‌خبری به‌همین‌جسا خلاصه‌نشده در یک حرکت ضداخلاقی‌روزنامه‌الشرق الاوسط وابسته به رژیم سعودی سعی در شایعه‌پراکنی و تخریب عزاداران در راهپیمایی ازبمین کرد و با انتشار خبری دروغی می‌خواست استیضاح را با انتشار گره بزند و نزد افکار عمومی به‌انحراف بکشاند.

الشرق الاوسط در این زمینه با منبع‌سازی دروغ به سازمان بهداشت جهانی نوشت که به‌گزارش این سازمان در طول راهپیمایی ازبمین، نوزادان نامشروع در عراق زیاد شده‌است، مسئله‌ای که با هویت‌سازی خبرگزاری فارس در ابتکاری زیبا و شایسته‌تقدیر بلافاصله خشنی شد. خبرنگاران این رسانه تنها به افتخار نقد خبر پرداخت تبار عکس باعث مطرح شدن آن هم‌شود، بلکه در کاری حرفه‌ای با سازمان



| روزنامه جوان | شماره ۴۹۶۶ | شنبه ۴ آذر ۱۳۹۵ | ۲۶ صفر ۱۴۲۸ | اذان ظهر: ۱۱:۵۲ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۲ | انفرادی: ۱۷:۱۲ | نیمه‌شب‌شعرعی: ۰۰:۱۸ | ۲۳:۰۸ | طلوع آفتاب: فردا: ۰۶:۵۲ |

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط‌عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت‌نشر گستر امروز ۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

۳۰۰ هزار تومان بدهید در سالتی که گلزار هم در آن هست فیلم ببینید بدعت‌هایی برای از ما بهتران سینما!

خاطر جمع است، از انتظارش برای فروش ۴۵ میلیارد تومانی «سلام بمبئی» می‌گوید یعنی رقمی حدود سه برابر فروش فیلم «فروشنده» که به تازگی توانسته است حد نصاب فروش سینما را جابه‌جا کند. آیا بلیت‌های ۳۰۰ هزار تومانی می‌تواند این آرزو را رقم بزند؟!
اصلامی توان افتتاحیه‌ای را با این وضع به حساب موفقیت یک فیلم گذاشت؟!

یک سال پیش در همین روزها بود که سینمای جهان یک پدیده سینمایی را به خود دید. قسمت جدید از فیلم دنباله‌دار جنگ ستارگان با نام «جنگ ستارگان: نیرو برمی‌خیزد» رونمایی شد و توانست رکورد فروش سینماهای جهان را جابه‌جا کند؛ پدیده‌ای که سرآغاز آن از افتتاحیه این فیلم در لس‌آنجلس بود و همزمان با این افتتاحیه ۳ هزار سالن سینما آکران جنگ ستارگان را آغاز کردند. بلیت‌های افتتاحیه جنگ ستارگان در بازار سیاه خرید و فروش می‌شد و برخی از علاقه‌مندان توانستند آن را به قیمت ۱۰۰ دلار (با دلار آزاد آن روزها تقریباً ۳۴۰ هزار تومان می‌شد) خریداری کنند. برخی هم کمتر و در حدود ۵۰ دلار برای دیدن این فیلم پرداختند. این رقم در کنار هزینه ۳۰۰ دلاری حضور در پیاده‌رو خیابانی که دونالد ترامپ از آن عبور خواهد کرد تا به مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری برود، چندان چشمگیر نیست. حتی قیمت بلیت سینماها در روزهای بعدی برای بزگسالان ۱۲/۵ دلار بود. توجه کنید که امریکایی‌ها در بدترین حالت بلیت هشت فیلم در سینماهای عادی را می‌دادند تا در افتتاحیه جنگ ستارگان شرکت کنند؛ فیلمی که برای آنها بخشی از تاریخ سینما و حتی سبک زندگی امریکایی است نه مانند شهروندان ایرانی که بلیت ۲۰ فیلم را می‌دهند تا در حضور محضرآ گلزار «سلام بمبئی» را تماشا کنند!

■ بدعت‌هایی برای از ما بهتران سینما!

زمانی که تنها در چند روز اول آکران فیلم فروشنده قیمت بلیت‌های این فیلم از قیمت مصوب سینماها بیشتر بود، اعتراض‌های متعددی به این سبک آکران وارد شد و در نهایت بهای بلیت «فروشنده» نیز به حالت عادی سبک‌گشت. آن زمان منتقدان فرهادی از اینکه قیمت بالای بلیت می‌تواند عاملی برای رکوردشکنی آسان در سینما شود به وی خرده می‌گرفتند، اما در نهایت «فروشنده» توانست رکوردشکنی کند و به نتهایی در رأس فهرست نوروزی‌بگی به خاطر هزینه‌ها آوردن مهمانان هندی و هزینه‌های پرگزارش افتتاحیه، صندلی‌های سالن میلاد را برای یک سانس ۳۰۰ هزار تومان قیمت‌گذاری کرده است، اعتراضی پیش نمی‌آید.

■ «سلام بمبئی»؛ شوآف تبلیغاتی با برگی از تاریخ!

پیتر بارت، روزنامه‌نگار و منتقد سینما بعد از تماشای قسمت هفتم جنگ ستارگان در مجله وریتی نوشت: «زمانی که در سال ۱۹۷۷ من چهار دلار برای دیدن «جنگ ستارگان» (اپیزود اول) دادم، هیچ‌کس به من اظهار نداده بود که این می‌تواند یک شروع تاریخی باشد».
ایا چند سال بعد هم افرادی که در افتتاحیه ۳۰۰ هزار تومانی سلام بمبئی شرکت کرده‌اند می‌توانند ما را روز در سرآغاز یک تغییر تاریخی در سینمای ایران حضور داشتیم؟ سابقه فیلمسازی کارگردان «سلام بمبئی» می‌گوید که حداقل روی کاغذ نباید انتظار معجزه داشت. همان‌طور که در طول سال سینمای هند چندین فیلم با مشارکت بریتانیایی‌های سادویی سینمای بریتانیا به خاطر همکاری با بالیوود تکانی نخورده است؛ دست‌اندرکاران فیلم سلام بمبئی از زمان مطرح شدن ساخت این فیلم تاکنون که یک هفته تا آکران آن باقی مانده است از اکثر روش‌های تبلیغاتی برای داغ کردن آکران آن استفاده کرده‌اند از جمله استفاده از بنامین بهادری، فروزاننده مشهور دهه ۸۰ با تلاش برای بازگرداندن محمدرضا گلزار به دوران سوپرستاری و مانورهای بی‌دربی روی حضور ستاره‌های بالیوودی در این فیلم که معمولی را به نام «سلام بمبئی» ایجاد کرده است. طبق اطلاعات سایت فروش آنلاین بلیت، نیم بیشتر ظرفیت سالن آکران «سلام بمبئی» که شده است، سینما مشته نیست است که از این میزان با در نظر گرفتن مهمانان است یا همه صندلی‌های پر شده بلیت‌فروشی داشته‌اند!
۱۳ آذر مشخص می‌شود بلیت‌های ۳۰۰ هزار تومانی واقعاً مشتری داشته‌اند یا خیر!

■ چرا ۳۰۰هزار تومان؟!

بلیت‌های ۳۰۰ هزار تومانی حتی در مشهورترین و پرطرفدارترین کنسرت‌های موسیقی هم رقم عجیب و غریبی است. این رقم ۳۰۰ هزار تومانی جلطور برای بهای بلیت‌های افتتاحیه «سلام بمبئی» محاسبه شده است؟!
جواد نوروزی‌بگی، تهیه‌کننده این فیلم می‌گوید: «آوردن بازیگران از هند به ایران هزینه‌های بسیاری دارد. ما حدوداً یک میلیارد تومان هزینه‌های افتتاحیه این فیلم سینمایی را تخمین زدیم و این هزینه‌ها بالاآعات شده بلیت‌های مراسم افتتاحیه این فیلم را به فروش رسانیم». سالن برج میلاد تهران گنجایش هزار و ۷۰۰ صندلی را دارد و در صورت ادامه روند خرید بلیت‌ها امکان اینکه تمامی ظرفیت این سالن پر شود، وجود دارد و در این صورت در یک شب و تنها در یک سالن، «سلام بمبئی» بیش از ۵۰۰ میلیون تومان فروش خواهد داشت!

■ سلام بمبئی می‌خواهد رکورد فروشنده را هم بزند!

قریان محمودپور، کارگردان فیلم «سلام بمبئی» که گویا از استقبال سینما

■ راه سعادت

حکمت ۱۵۸

عَاتِبِ اَکْبَارِ بِالْاُخْسَانِ اَیْبِهِ، وَ اَزْدُ شَرِّهِ بِالْاِتْقَامِ عَیْبِهِ.

برادرت را(به هنگامی که خطایی از او سر می‌زند) بااینکی کردن به او سرزنش کن! و شروی را از راه بخشش به او دور ساز!

■ نما | حسین کشتکار



علاقه تازه سینمای ایران و هند برای تولید مشترک

نزدیکی سینمای ایران و هند پس از یک قرن دوری

■ **جواد محرمی**

سینمای ایران و هند به تازگی علاقه خاصی در تولید مشترک نشان داده‌اند، پس از تولید پرسروصدا فیلم سلام بمبئی با بازی محمدرضا گلزار و بنیامین بهادری که در پروژه‌های تجاری، در یک تولید مشترک سینمای ایران و هند شرکت کردند، حالا مجید مجیدی به عنوان فیلمسازی که سینمایش لزوماً متکی بر سرگرمی نیست در تدارک تولید تازه‌ترین اثر سینمایی خود در هندوستان است. بالیوود چون بدیلی از هالیوود به عنوان کارخانه رؤیاسازی برای هندوستان عمل می‌کند و طی نزدیک به یک قرن است که توانسته ملت هند و کشورهای حوزه فلات هند را جذب خود کند. برخلاف سینمای ایران که برخی مدیرانش به غلط از آن به عنوان جریانی مقابلی هالیوود یاد می‌کنند، ولی حتی توانسته در کشورهای همسایه نفوذ داشته باشد، سینمای هند ماهیتی فراملی دارد و مخاطب آنبھی را برای مرزهای این کشور جذب کرده است، به عنوان مثال مردم فارسی‌زبان افغانستان بیش از سینمای خسته و شبه‌روشنفکرانه ایران از سینمای رنگارنگ و پویای هند استقبال می‌کنند.

حالا مدتی است که سینمای دو کشور بار دیگر برای همکاری باهم علاقه نشان داده‌اند. «سلام بمبئی» مولودامی عاشقانه است و داستان آنشایی یک دختر هندی و یک پسر ایرانی را روایت می‌کند که هر دو دانشجوی پزشکی هستند و درگیر اتفاقات پیچیده‌ای می‌شوند. آنچه تیرزها و عکس‌های فیلم سلام بمبئی به دست می‌دهد، تفوق حال و آواز و رقص از وجوه اصلی و غیرقابل تفکیک سینمای هندوستان است و این موضوع با توجه به ممیزی‌هایی که در سینمای ایران وجود دارد تا حدودی با حذف زنان قابلیت ارائه پیدا می‌کند.

اما از سوی دیگر مجید مجیدی کارگردانی است که جنس فیلم‌هایش غالبه سرگرمی و مولودام‌های عاشقانه هند زیاد همخوان نیست. او هم‌اکنون در بمبئی به سر می‌برد و پروژه تازه‌اش را در این کشور کلید زده است. اینکه چه چیزی باعث شده کارگردان مطرح سینمای ایران و همچنین بخش تجاری سینمای ایران به تولید مشترک با سینمای هند علاقه نشان دهند، مسئله‌ای جالب محسوب می‌شود و این گرایش اگر به یک موج تبدیل شود، می‌تواند فصل مهمی برای سینمای ایران قلمداد شود.

خسرو معتضد: شبکه‌های ماهوارهای حاضرند «یتیم‌خانه ایران» را پخش کنند؟!



خسرو معتضد در نشست نمایش و نقد فیلم «یتیم‌خانه ایران» گفت: آیا شبکه‌های ماهوارهای «بی‌بی‌سی» و «من و تو» که همیشه بدبختی‌های ایران را نشان می‌دهند، حاضرند این فیلم را پخش کنند؟! به گزارش جوان این پژوهشگر تاریخ در نشست نمایش و نقد فیلم «یتیم‌خانه ایران» که سوم آذر در این فرهنگسرا برگزار شد، اظهار کرد: تمام وقایعی که در فیلم مشاهده می‌شود، واقعی است و به نظرم ابوالقاسم طالبی (کارگردان این فیلم)، تسلط بسیار خوبی بر تاریخ دارد. معتضد با اشاره به نمایش قحطی، خشکسالی و بیماری در فیلم «یتیم‌خانه ایران» گفت: براساس اسناد تاریخی بهداری جامعه ملل در تاریخ ۱۳۰۳ (۱۹۳۵) بیماری طاعون در کشور بوده و همچنین کتاب «تاریخ هجده‌ساله آذربایجان» و گزارش‌های وزارت امور خارجه، تمامی اطلاعات تاریخی را در مورد این حوادث مطرح کرده‌است. نویسنده کتاب «یکصد سال فراز و فرود» با بیان اینکه ایران کشوری کم‌آب است، افزود: کشور در گذشته با مشکلات خشکسالی وقحطی و بیماری‌هایی همچون وبا، تیفوس و طاعون مواجه بوده و زمانی توسط کشورهای آلمان، عثمانی، انگلیس و روسیه اشغال شده بود که فیلم «یتیم‌خانه ایران» این بخش از تاریخ را روایت می‌کند.

معتضد در ادامه گفت: آیا این فیلم را شبکه‌های ماهوارهای «بی‌بی‌سی» و «من و تو» که همیشه بدبختی‌های ایران را نشان می‌دهند، حاضرند پخش کنند؟! این فیلم از نظر تاریخی مورد تأیید من است و در طول تاریخ سیاست انگلیسی‌ها نیز ایجاد مشکلات، بدبختی و بیچارگی برای مردم ایران بود و عقیده

^[1] سینمای ایران و هند به تازگی علاقه خاصی در تولید مشترک نشان داده‌اند